

پاسخ ما و تقلای آنها

عملیات‌ها برای محو اسرائیل از صفحه روزگار، تشدید و تسریع خواهد شد. این اصلی‌ترین پاسخ به شرارت‌های اخیر اسرائیل و آمریکا است؛ چون ارزش کفش شهدای راه قدس از سر عالی‌ترین فرماندهان نظامی آنها هم بیشتر است.

به گزارش سایت خبری پرسون، سید محمدعماد اعرابی در یادداشتی نوشت: در جنگ غزه، دسامبر ۲۰۲۳ را باید به خاطر سپرد. دسامبر ۲۰۲۳، ماهی است که رژیم صهیونیستی مجبور به پذیرش این واقعیت شد که در غزه کاری از پیش نمی‌برد و راهی جز تغییر راهبرد و تعویض میدان جنگ ندارد.

نشانه‌ها تقریباً واضح بود؛ سی‌ام نوامبر ۲۰۲۳ «آنتونی بلینکن» در دیدار با مقامات رژیم صهیونیستی، این موضوع را برای‌شان روشن کرد که فقط چند هفته دیگر یعنی تا پایان سال ۲۰۲۳ می‌توانند بدون دستیابی به اهداف‌شان، در غزه باقی بمانند. آمریکا با توجه به ناکامی ارتش رژیم صهیونیستی، خواستار کاهش حضور نظامی اسرائیل در غزه و تمرکز آن بر اهداف دیگر بود.

دو هفته بعد، دولت آمریکا «جیک سولیوان» مشاور امنیت ملی «بایدن» را به فلسطین اشغالی فرستاد تا در دیدار با مقامات رژیم صهیونیستی مطمئن شود که ضرب‌الاجل اعلامی از طرف آمریکا توسط اسرائیل عملیاتی می‌شود. یک هفته پس از سفر «سولیوان»، فرماندهان نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳ تیپ ویژه گولانی را از غزه خارج کردند. تا ده روز بعد یعنی ۳۱ دسامبر آنها پنج تیپ رزمی دیگر را هم از غزه خارج کرده بودند و روند خروج تیپ‌ها و لشکرهای دیگر ادامه داشت.

همزمان در بیرون از اراضی اشغالی خبرهایی بود. ۲۵ دسامبر «سید رضی موسوی» مستشار بلندپایه ایرانی در سوریه به شهادت رسید و یک هفته بعد «صالح العاروری» معاون شاخه سیاسی حماس در لبنان ترور شد. ۸ ژانویه ۲۰۲۳ وقتی «یوآو گالانت» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی سعی می‌کرد شکست‌شان در دستیابی به اهداف را با واژه‌های آبرومندانه لاپوشانی کند؛ تلویحا عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از شهر غزه را تأیید کرد و از مرحله جدیدی خبر داد: «ما مرحله اول جنگ را به پایان رساندیم، ما به مرحله حملات ویژه می‌رویم.» آن زمان «مشتاق طالب السعیدی» (ابوتقوی) از فرماندهان مقاومت عراق و «وسام حسن الطویل» (حاج جواد) از فرماندهان یگان رضوان حزب‌الله لبنان نیز ترور شده بودند و در ایران نیز بمب‌گذاری در مسیر گلزار شهدای کرمان جان حدود ۱۰۰ هموطن را گرفته بود.

صهیونیست‌ها در مرحله جدید، میدان جنگ را عوض کرده بودند. کمتر از دو هفته بعد پنج مستشار ایرانی دیگر در منطقه المزه دمشق ترور شدند. این عملیات‌ها را باید بیش از اسرائیل به پای آمریکا نوشت چون رژیم صهیونیستی ناتوان‌تر از آن بود که بتواند چنین ضرباتی بزند. آنها حتی نتوانسته بودند علی‌رغم ۱۷ سال محاصره باریکه ۳۶۵ کیلومتر مربعی غزه و بهره‌گیری از بروزترین تجهیزات امنیتی زمینی و ماهواره‌ای، عملیات طوفان‌الاقصی را پیش از اجرا در ۷ اکتبر کشف و خنثی کنند!

حمله به بندر حيفا و پایگاه مروان در اراضی اشغالی، مقر موساد در اربیل، پایگاه داعش در ادلب و پادگان گروهک تروریستی جیش‌الظلم؛ اینها تنها پاسخ اولیه محور مقاومت به تحرکات جدید رژیم صهیونیستی بود. پاسخ اصلی اما به نظر می‌رسید در طراحی جبهه مقاومت برای مرحله جدید نبرد باشد.

برخلاف رژیم صهیونیستی که به بازی زد و خورد روی آورده بود، محور مقاومت راهبرد کلان خود در موجودیت‌زدایی از اسرائیل را دنبال می‌کرد. این نکته‌ای بود که حتی «علم صالح» استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه ملی استرالیا نیز به آن اذعان کرد: «کاری که اسرائیل با ایران می‌کند، تخته نرد بازی کردن است و با تاس انداختن، در جایی می‌برد و جایی می‌بازد؛ اما کاری که ایران با اسرائیل می‌کند یک بازی شطرنج است که به‌طور استراتژیک و ساختاری موجودیت اسرائیل را زیر سؤال می‌برد.»

از منظر محور مقاومت، در مرحله جدید جنگ غزه، به دور از هر واکنش هیجانی، «مسئله فلسطین» باید همچنان در مرکز تحولات باقی می‌ماند و هیچ عملیاتی نباید توجه جهانی را از فلسطین به سایر نقاط منطقه منحرف می‌کرد. عملیات‌ها باید به شکلی طراحی می‌شد که از هر گونه حساسیت‌زایی در افکار عمومی کشورهای منطقه اجتناب کرده و نشان‌دهنده انگیزه خالصانه محور مقاومت در دستیابی به آرمان فلسطین برای آزادی قدس شریف باشد، نه تداعی‌کننده رقابت قدرت‌طلبانه و برتری‌جویانه اضلاع مقاومت با یکدیگر و یا با دشمن آمریکایی و اسرائیلی. در عین حال برنامه‌ریزی برای این مرحله جدید باید طوری انجام می‌شد که اهرم مدیریت تنش را از دست محور مقاومت خارج نکند.

علاوه‌بر این ملاحظات، ظاهراً مرحله جدید نبرد که پاسخ اصلی جبهه مقاومت به شرارت‌های اخیر آمریکا و اسرائیل در منطقه نیز محسوب می‌شود با محوریت سخنان رهبر معظم انقلاب خطاب به دولت‌ها و ملت‌های مسلمان شکل گرفته است. ۱۰ آبان ۱۴۰۲ بود که حضرت آقا خطاب به دولت‌های اسلامی گفتند: «راه صدور نفت و اوراق به رژیم صهیونیستی را ببندند» مدتی بعد ایشان یک بار دیگر این راهبرد را تکرار کردند و ۲۸ آبان ۱۴۰۲ در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفتند: «بایستی نگذارند که نفت و انرژی و کالا و امثال اینها وارد رژیم صهیونیستی بشود.» ۲ دی ۱۴۰۲ سومین تأکید رهبر انقلاب بر تحریم رژیم صهیونیستی بود: «امروز وظیفه است که دولت‌های مسلمان نگذارند کالا و نفت و سوخت و مانند اینها به رژیم صهیونیستی برسد، همچنان که او نمی‌گذارد آب به مردم غزه برسد.» این راهبرد منطقی

در ۳ بهمن ۱۴۰۲ طی دیدار رهبری با اعضای کنگره بزرگداشت شهدای استان تهران نیز تکرار شد و ایشان از قطع شریان‌های حیاتی به رژیم صهیونیستی سخن گفتند. این راهبرد، یک الگوی موفق داشت: یمن.

۲۸ آبان ۱۴۰۲ هنوز نظامیان صهیونیست در غزه حضور حداکثری داشتند که یمنی‌ها رسماً اعلام کردند اجازه تردد به کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی از تنگه باب‌المندب را نخواهند داد و تأکید کردند تا زمانی که رژیم صهیونیستی مانع ارسال دارو و مواد غذایی به غزه می‌شود، به این کار ادامه خواهند داد. آنها پای حرف‌شان ایستادند و در نتیجه بندر «ایلات» در اراضی اشغالی، از چرخه اقتصادی رژیم صهیونیستی حذف شد.

اما رژیم اشغالگر قدس هنوز دست‌کم دو بندر مهم دیگر در ساحل مدیترانه و دو گذرگاه زمینی داشت که همچنان راه تنفس اقتصاد ضربه خورده آن را باز نگه داشته است. «حیفا» و «اشدود» در کنار «ایلات» سه بندر باری بزرگی هستند که به دلیل اهمیت‌شان توسط سازمان دولتی بنادر اسرائیل اداره می‌شوند. علاوه بر این «خدارا» و «عسقلان» دو بندر کوچک دیگر هستند که زیر نظر این سازمان دولتی قرار دارند و بیشتر به عنوان اسکله‌ها یا پایانه‌هایی برای نفت‌کش‌ها و کشتی‌های ذغال سنگ فعالیت می‌کنند. رژیم صهیونیستی از طریق گذرگاه زمینی «رود اردن» در شرق «بیت‌شآن» و همچنین گذرگاه زمینی «اسحاق رابین» در «وادی عرب» نیز می‌تواند بخشی از محدودیت ایجاد شده توسط یمنی‌ها در مسیر دریای سرخ را دور بزند و این دو گذرگاه مرزی با اردن از این حیث قابل اهمیت ارزیابی می‌شوند. برای ایجاد اختلال جدی در کارکرد یک بندر، لازم نیست آن را با خاک یکسان کرد، فقط کافی است اسکله و لنگرگاه‌هایش تخریب و آب‌های پیرامونی آن ناامن شود. همچنان‌که برای بسته شدن گذرگاه‌های زمینی گاهی تخریب یک پل و یا جاده کفایت می‌کند. در مرحله جدید جنگ، بانک اهداف محور مقاومت شامل همه اینها می‌شد.

۴ بهمن ۱۴۰۲ پس از حمله نیروهای تروریستی آمریکا به پایگاه گروه‌های مقاومت در عراق؛ فرماندهان مقاومت اسلامی عراق رسماً از آغاز مرحله دوم نبرد خبر دادند. «ابو الاء الولائی» دبیرکل «کتاب سیدالشهداء» در توضیح این مرحله گفت: «در حالی که آمریکایی‌ها دوباره به ما حمله کردند، رزمندگان ما هم مرحله دوم عملیات خود را آغاز می‌کنند. مرحله دوم عملیات ما شامل محاصره کشتیرانی و حمل‌ونقل دریایی رژیم صهیونیستی در دریای مدیترانه و حذف بنادر این نهاد غاصب از خدمت است.» یک روز بعد مقاومت اسلامی عراق برای دومین بار بندر اشدود را هدف حمله قرار داد. آنها علاوه بر اشدود، بندر حیفا را نیز دو بار هدف قرار داده بودند. به نظر می‌رسد این حملات، پیش‌درآمدی برای حملات بیشتر و بزرگ‌تر با هدف قطع شریان‌های حیاتی اقتصاد اسرائیل باشد. با این حساب جبهه مقاومت فقط نمای کوچکی از آرایش نظامی جدید خود در این مرحله را نشان‌مان داده است.

جبهه مقاومت آن‌طور که دشمن صهیونیستی هم به آن اعتراف کرده، متحد و یکپارچه است. دیگر فرقی نمی‌کند چه کسی یا گروهی در خط مقدم، اهداف را نشانه می‌رود و چه کسی یا گروهی خط مقدم را پشتیبانی می‌کند. در این جبهه یکپارچه علی‌رغم استقلال عمل اعضا؛ موفقیت یکی، موفقیت همه و شکست یکی، شکست همه است. خون‌های فلسطینی، لبنانی، عراقی، سوری، یمنی و ایرانی همه در پشت خاکریز نبرد با اشغالگران قدس به زمین ریخته شده و گواه محکمی بر اتحاد میدان‌هاست. عملیات‌ها برای محو اسرائیل از صفحه روزگار، تشدید و تسریع خواهد شد. این اصلی‌ترین پاسخ به شرارت‌های اخیر اسرائیل و آمریکاست؛ چون ارزش کفش شهدای راه قدس از سر عالی‌ترین فرماندهان نظامی آنها هم بیشتر است.